

آگاهی از دیدگاه‌های مختلف در خصوص وضعیت فرهنگی جامعه ضرورتی مهم برای تدوین و اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های فرهنگی است. این پژوهش درصدد است با استفاده از روش کیو که روشی ترکیبی است، دیدگاه‌های متولیان فرهنگی استان همدان را در خصوص وضعیت فرهنگی جامعه شناسایی کند. نمونه‌گیری در روش کیو هدفمند است. تحلیل عاملی کیو و تفسیر عامل‌ها حاکی است که نه دیدگاه در بین متولیان فرهنگی وجود دارد که غالباً کیفیت برنامه‌های فرهنگی و نیز وضعیت فرهنگ جامعه را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند. کلیه این دیدگاه‌ها اذعان دارند که اقدامات و برنامه‌های فرهنگی، مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند و لذا فرهنگ جامعه را دچار آسیب‌های جدی مانند نسبی‌گرایی دینی، اقدامات فرهنگی غیرمتخصصانه و غیرمحققانه، جریان ظاهرگرایی، جریان تجمل‌گرایی، عدم موفقیت روحانیت در تبلیغ دین، ضعف در همیاری مسئولین فرهنگی، بحران معرفت و تردید در اعتقادات اصیل دینی و... می‌دانند. نگرانی جدی در خصوص فعالیت و یا ترویج جریان‌های معاند و مخرب فرهنگی همچون شیطان‌پرستی، بهائیت، وهابیت و گرایش به ادیان غیراسلامی و... در این دیدگاه‌ها وجود ندارد. تحلیل این دیدگاه‌ها می‌تواند مصاد اولیه برای برنامه‌های محققانه‌تر را فراهم کند که این امر از اتکای تصمیمات فرهنگی بر سلیقه‌ها و برداشت‌های شخصی خواهد کاست.

■ واژگان کلیدی:

فرهنگ، وضعیت فرهنگی، شناسایی ذهنیت، روش کیو

وضعیت فرهنگی جامعه از منظر متولیان فرهنگ

مورد مطالعه: مدیران و فعالان فرهنگی استان همدان

محمد امینی

کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه علامه طباطبائی
amini.sajad@ymail.com

بیان مسئله

پژوهشگران اغلب برای پاسخ به یک مسئله پژوهشی و یا حل یک مشکل به واقعیات عینی موجود در جامعه مراجعه می‌کنند و داده‌های عینی را مبنای تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج قرار می‌دهند. اما گاهی تحقق هدف پژوهش و حل مشکل یک سازمان مشروط به شناخت دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های افراد کلیدی است، زیرا ذهنیات این افراد می‌تواند یک منبع مهم برای کسب دانش و هدایت اقدامات آتی سازمان باشد. به‌طور کلی بررسی ذهنیت‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به موضوعات فرهنگی - اجتماعی یکی از برنامه‌های اصولی برای هر کشوری است، زیرا از این طریق می‌توان به اقتضات جامعه و نیز موضع‌گیری‌های افراد نسبت به برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های مملکتی پی برد. (خوشگویان فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۶) بر همین اساس، آگاهی از دیدگاه‌ها و نگرش‌های عهده‌داران فرهنگ جامعه، سرمایه‌ای ارزشمند شمرده می‌شود که می‌تواند پایه و اساس تصمیمات و برنامه‌های آینده واقع شود، چرا که ذهنیت^۱ زیربنای واقعیت^۲ است. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۱) پرداختن به این امر کمک می‌کند تا مسائل فرهنگی - اجتماعی با خبرگی و کارشناسی بیشتری رسیدگی شوند و احتمال اجرای موفق برنامه‌های سازمان افزایش یابد، چرا که شکست، توقف و یا بی‌نتیجه ماندن بسیاری از برنامه‌های فرهنگی معلول عدم همیاری و وفاق دست‌اندرکاران اجرایی است که این خود، در مواردی معلول عدم شناخت سطوح بالاتر سازمان نسبت به دیدگاه‌ها و ذهنیات مجریان در خصوص موضوع است. مضافاً اینکه اقدامات نسنجیده و تدابیر شتاب‌آلود و غیرواقع‌بینانه در حوزه فرهنگ پیامدهای نامطلوبی را از جمله بحران هویت در جوانان، فراهم شدن زمینه‌های تهاجم فرهنگی، بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت فردی و اجتماعی و حتی مبارزه منفی مدنی به دنبال داشته است. (روحانی، ۱۳۸۷: ۹)

بنابراین همسوسازی اقدامات فرهنگی سازمان‌های مختلف که در جهت تحقق یک برنامه یا یک هدف صورت می‌پذیرد، مشروط بر توافق و سازگاری دیدگاه‌ها (ذهنیت‌ها)ی افراد کلیدی و ذی‌ربط است. مسئله‌ای که اهتمام مسئولین فرهنگی به‌قدر کفایت به آن متوجه نیست. لذا آگاهی از ذهنیت‌ها جهت ایجاد وفاق بین آنها و در نتیجه اجرای همیارانه برنامه‌های فرهنگی، امری بایسته است. این پژوهش درصدد است با استفاده از روش کیو که

1. Subjectivity
2. Reality

هدفش کشف اندیشه‌ها و نگرش‌ها درباره یک موضوع است (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۰). ذهنیات متولیان فرهنگ را در دو حوزه شناسایی و تحلیل کند: وضعیت فرهنگی جامعه و کیفیت اقدامات فرهنگی انجام‌شده. بر همین اساس مسئله پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود: دیدگاه‌های متولیان امر در خصوص «وضعیت فرهنگی جامعه» و نیز «کیفیت اقدامات فرهنگی» کدامند و زوایای پنهان این دیدگاه‌ها چیست؟ و یا به عبارت دیگر، از دیدگاه متولیان امر «وضعیت فرهنگی جامعه» و نیز «کیفیت اقدامات فرهنگی» چگونه ترسیم و ارزیابی می‌شود؟

بنابراین، بایسته است بخشی از مطالعات فرهنگی به پاسخ چنین مسائلی بپردازند و نگرش‌ها و ذهنیت‌های افراد کلیدی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند چرا که نگرش و ذهنیات افراد نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی، گاهی از واقعیت آن مسائل مهم‌تر است. به عنوان مثال ممکن است امنیت در جامعه باشد ولی افراد آن را درک و احساس نکنند، آنگاه همین امر عاملی برای بی‌ثباتی و عدم آرامش جامعه خواهد شد (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۳) و یا مثلاً یک معضل اخلاقی به میزان بحرانی و نگران‌کننده وجود نداشته باشد، اما متولیان فرهنگ، رشد آن معضل را به صورت بحرانی و نگران‌کننده ادراک کنند، اینجاست که اقدامات نسنجیده و یا بروز حالت انفعال و سردرگمی برای مدیران فرهنگی بسیار محتمل خواهد بود. همچنین بررسی فرهنگ از دیدگاه متولیان فرهنگ می‌تواند مدیران ارشد را نسبت به انواع و کیفیت دیدگاه‌های موجود در خصوص وضعیت فرهنگی جامعه آگاه سازد. از سوی دیگر، انجام چنین پژوهشی با استفاده از روش کیو می‌تواند تعمق و آگاهی نسبت به مسائل مربوط به برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را فراهم سازد (لاجوردی، ۱۳۸۹: ۹۵) که این امر از اتکای تصمیمات و برنامه‌های فرهنگی بر سلیقه‌ها و برداشت‌های شخصی خواهد کاست. همچنین شناخت دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد ذی‌ربط، می‌تواند عاملی برای موفقیت در اجرای برنامه‌ها باشد زیرا شناخت دیدگاه‌های مجریان یک برنامه فرهنگی، به جلب تعهد آنان برای اجرای صادقانه و مجدانه و بروز هماهنگی در رفتارهای آتی کمک خواهد کرد.

پژوهش‌های پیشین

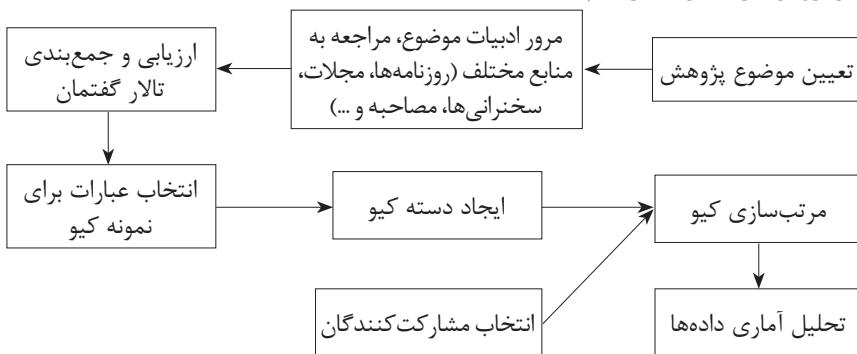
در نتیجه بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی که وضعیت فرهنگی جامعه را براساس ذهنیات افراد کلیدی (روش کیو) مورد مطالعه قرار داده باشد، به دست نیامد. با وجود این می‌توان به چند پژوهش مشابه اشاره کرد. نصیری‌زاده و همکارانش با روش تاکسونومی به بررسی

وضعیت فرهنگی شهرستان‌های یزد پرداخته‌اند و درجه امکانات فرهنگی را در این شهرستان بیان کرده‌اند. (نصیری‌زاده و توتونچی، ۱۳۸۳) سلیمی‌بنی با روش اسنادی وضعیت فرهنگی نظام جمهوری اسلامی را در آغاز دهه چهارم انقلاب مورد مطالعه قرار داده است و در نتیجه قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام را بیان کرده است. (سلیمی‌بنی، ۱۳۹۲) همچنین گنجی و بیدگلی در پژوهشی با عنوان «مطالعه وضعیت کیفیت فرهنگی و اجتماعی زندگی شهروندان» با روش پیمایش جامعه مورد مطالعه خود را در شهر کاشان مورد پژوهش قرار داده است. در نتیجه این پژوهش عنوان شده است که کیفیت فرهنگی زندگی زنان در سطح پایین‌تری از کیفیت زندگی فرهنگی مردان است زیرا چنین استنباط می‌شود که زنان در صحنه‌های فرهنگی فعالیت کمتری نسبت به مردان دارند. (گنجی و الماسی بیدگلی، ۱۳۹۱)

از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای جوانان» اشاره کرد که در سطح ملی و به همت وزارت ورزش و جوانان صورت پذیرفته و موج ششم آن در سال ۱۳۹۲ به‌انجام رسیده است. این پیمایش علاوه بر ارائه تصویری از نگرش‌های جوانان ایرانی، در برش‌های استانی نیز وضعیت تمامی استان‌های کشور را معرفی می‌کند. این پژوهش محورهایی همچون: هویت (دینی، ملی، فردی و انقلابی) خانواده؛ ازدواج و طلاق؛ رفاه و تأمین اجتماعی؛ اخلاق و تربیت؛ جمعیت و مهاجرت؛ مشارکت؛ اشتغال و مهارت‌آموزی؛ فضای مجازی، رسانه‌ها و ارتباطات؛ اوقات فراغت؛ آموزش، دانش و پژوهش؛ مسکن؛ تربیت‌بدنی و ورزش؛ جرائم و آسیب‌های اجتماعی؛ خلاقیت و ابتکار؛ بهداشت و سلامت؛ و تهاجم فرهنگی و جنگ نرم را پوشش داده است. (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲) پیش از این نیز پژوهش مشابهی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با عنوان «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» انجام شد. این پژوهش یک پیمایش طولی است که موج اول در سال ۱۳۷۹ کلید خورد و تصمیم بر این بود که هر دو سال یک‌بار اجرا شود اما متأسفانه پس از انجام مرحله دوم این طرح ملی دچار فترت نسبتاً طولانی شد. (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۳۰) پژوهش ۳۰ درصدی دیگری که در سطح ملی انجام یافته «سنجش نگرش دانشجویان» است که در شماره نهم (۹ درصد) تقلید دینی دانشجویان را مورد سنجش قرار داد. (مدیریت رصد و افکارسنجی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰)

روش تحقیق

این پژوهش با روش کیو انجام شده است. این روش ابزار قدرتمندی برای کشف ذهنیت‌ها و نگرش‌هاست. (خوشگویان فرد، ۲۰۱۱: ۴۸۳) که پژوهشگر را قادر می‌سازد تا اولاً ادراکات^۱ و عقاید^۲ فردی را شناسایی و ثانیاً افراد را براساس ادراکات‌شان دسته‌بندی کند. (پراتیپکو و کانگسویوا^۳، ۲۰۰۹: ۲) لذا هدف اصلی این فن، آشکار ساختن الگوهای مختلف تفکر (ذهنیت) است. ذهنیت به معنای برداشت و اندیشه درونی یک فرد درباره یک پدیده است و لذا می‌تواند علمی یا غیرعلمی، حقیقی یا غیرحقیقی، درست یا نادرست باشد. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۰-۹) کامل‌ترین شکل این روش در اثر استفنسون در سال ۱۹۵۳ با عنوان «مطالعه رفتار»^۴ ارائه گردید. (براون^۵، ۲۰۰۶: ۳۶۵) استفنسون روش شناسی کیو^۶ را به این منظور ایجاد کرد که امور ذهنی^۷ را به‌طور عینی و بدون سوگیری^۸ اندازه‌گیری کند. کیو این امکان را می‌دهد که پژوهشگران به‌طور علمی ذهنیت افراد را مشاهده کنند.^۹ (رملو و نیومن^{۱۰}، ۲۰۱۱: ۱۷۶) تفاوت اصلی آن با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی این است که روش شناسی کیو، به‌جای متغیرها، افراد را تحلیل می‌کند و بنابراین به‌نوعی سنخ‌شناسی دست می‌یابد. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۰) فرایند اجرای این روش در شکل ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱: فرایند اجرای یک تحقیق با روش کیو

1. Perceptions
2. Opinions
3. Prateepko & Chongsuvivatwong
4. The Study of Behavior
5. Brown
6. Q-Methodology
7. The Subjective
8. Objectively
9. Observe
10. Ramlo & Newman

نقطه شروع در روش کیو ایجاد فضای گفتمان^۱ است که به جنبه‌های آماری این روش مربوط می‌شود. (استفنسون^۲، ۱۹۹۳/۱۹۹۴: ۵) فضای گفتمان شامل مجموعه‌ای از جملات متنوع و گوناگون مرتبط با موضوع تحقیق است که در میان اهالی گفتمان مطرح شده‌اند. اهالی گفتمان، افرادی هستند که کیو درصدد شناسایی ذهنیت‌های آنان نسبت به موضوع تحقیق است. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۲۹)

منظور از نمونه کیو^۳ جملات یا اظهاراتی هستند که از فضای گفتمان انتخاب شده‌اند و هر یک از آنها روی یک کارت قرار می‌گیرند و مجموع این کارت‌ها همان دسته کیو^۴ هستند. نمونه کیو باید طوری انتخاب شود که نمایاننده نظرات و نگرش‌های مختلف در خصوص موضوع باشد. منظور از مشارکت کنندگان (نمونه پی^۵) اشخاصی هستند که مرتب‌سازی کیو را انجام می‌دهند. این اشخاص به‌منزله متغیرهای تحقیق خواهند بود. (جو آن و دورنباس^۶، ۲۰۱۲: ۱۰۲)

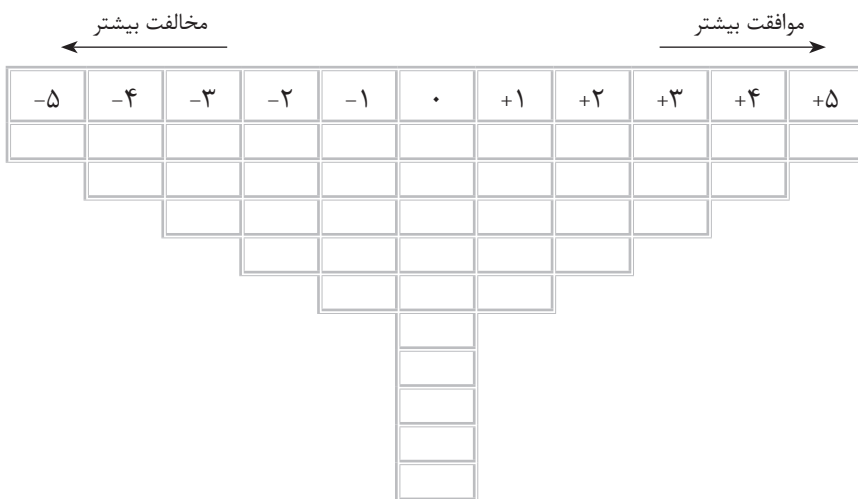
مرتب‌سازی، مرحله گردآوری داده‌ها را تشکیل می‌دهد که در آن هر مشارکت‌کننده کارت‌های دسته کیو را براساس دستورالعمل خاصی روی یک طیف مرتب می‌کند. این طیف روی مجموعه‌ای از خانه‌های خالی قرار می‌گیرد تا مشارکت کنندگان بتوانند کارت مورد نظرشان را متناسب با درجه روی طیف، در خانه خالی قرار دهند. این طیف و خانه‌های خالی تحت آن به نمودار کیو معروف است. مرحله پایانی، به تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با روش تحلیل عاملی و تفسیر عامل‌های استخراج‌شده اختصاص دارد. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۲۱) تحلیل عاملی کیو مانند تحلیل عاملی اکتشافی دو مرحله است: استخراج (یافتن) عامل‌ها و سپس چرخش آنها به‌گونه‌ای که قابل تفسیر باشند. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۸) پس از استخراج و چرخش عامل‌ها و به‌دست آمدن بارهای عاملی معنی‌دار و عامل‌های مهم، نوبت به تفسیر دقیق عامل‌ها (ذهنیت‌ها یا دیدگاه)، یعنی تعیین معنی و تعریف آنها می‌رسد. این کار با بررسی نحوه مرتب‌سازی کارت‌های افراد تحت یک عامل صورت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، پژوهشگر بررسی می‌کند که مثلاً، سه مشارکت‌کننده‌ای که تحت یک عامل قرار گرفته‌اند به کدام کارت‌ها امتیاز

1. Concourse
2. Stephenson
3. Q Samples
4. Q Set
5. P Samples
6. Jo, An & Doorenbos

بالا و به کدام یک از آنها امتیاز پایین داده‌اند و براساس محتوای این عبارات، به معنی و تفسیر آن عامل پی می‌برد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۷۳)

در این پژوهش به منظور گردآوری فضای گفتمان با افراد متعددی (اهالی گفتمان) مصاحبه و سعی شد به افرادی مراجعه شود که مجموعه‌ای از جملات و اظهارات متنوع را ارائه دهند. نتیجه مصاحبه‌ها، چند صد جمله بود که پس از تحلیل مفهومی و جمع‌بندی آنها، فضای گفتمان با ۹۳ جمله حاصل شد. از بین این اظهارات (جملات) ۴۰ جمله به‌عنوان معرّف همه جملات انتخاب شد و هر جمله روی کارتی (دسته کیو) قرار گرفت تا مشارکت‌کننده کارت‌ها را در خانه‌های نمودار کیو (شکل ۲) مرتب‌سازی کند.

۲۴۱



کارت ۱ کارت ۲ کارت ۳ کارت ۴ کارت ۵ کارت ۱۰ کارت ۵ کارت ۴ کارت ۳ کارت ۲ کارت ۱

شکل ۲: نمودار کیوی استفاده‌شده در این پژوهش

مشهود است که نمودار پژوهش اجباری (شبه‌نرمال) است یعنی مشارکت‌کننده باید تعداد کارت‌های مجاز برای قرارگرفتن تحت هر درجه را رعایت کند. این امر به اعمال دقت مشارکت‌کننده و جلوگیری از خودسانسوری کمک می‌کند.

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش را مدیران ادارات، مسئولین و فعالان فرهنگی و اساتید حوزه و دانشگاه در استان همدان تشکیل می‌دهد که غالباً عضو شورای فرهنگ عمومی شهر

هستند. در روش کیو انتخاب مشارکت‌کنندگان از طریق روش نمونه‌گیری غیراحتمالی یعنی «نمونه‌گیری هدفمند» با اندازه‌های کوچک صورت می‌گیرد (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۲۴) زیرا لازم است افرادی برای مرتب‌سازی انتخاب شوند که به دلایل شغلی، علمی و تجربی، ذهنیت و اندیشه‌های متنوع و مؤثری نسبت به موضوع داشته باشند. بر همین اساس بیش از ۴۰ پرسشنامه (حاوی دسته کیو (کارت‌ها)، نمودار کیو و دستورالعمل مرتب‌سازی کارت‌ها در نمودار)، با مراجعه و توجیه حضوری به افراد منتخب تحویل شد که ۳۲ پرسشنامه بدون نقص وارد تجزیه و تحلیل شدند^۱. این تعداد برای ورود به تجزیه و تحلیل کافی است زیرا تعداد نمونه در روش کیو می‌تواند بین ۱۰ تا ۴۰ نفر باشد. (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۵)

روایی و پایایی

روایی در روش کیو با بررسی میزان رضایت مشارکت‌کنندگان نسبت به قابلیت جملات روی کارت‌ها برای نشان دادن ذهنیت آنان امکان‌پذیر است؛ یعنی آیا عبارات موجود در دسته کیو به ابعاد مختلف موضوع تحت بررسی پرداخته‌اند تا مشارکت‌کنندگان بتوانند از طریق مرتب‌سازی آن عبارات، ذهنیت خود را بیان کنند. (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۵۶) براساس نظر صریح و یا ضمنی و بازخوردهای برخی از خبرگان و متولیان فرهنگ، عبارات کیو پوشش خوبی نسبت به موضوع تحقیق داشته‌اند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که برای مشارکت‌کنندگان این امکان وجود داشته است که نظرات خود را نسبت به سؤال پژوهشی در قالب عبارات موجود در دسته کیو بیان و ابراز کنند. لذا ابزار تحقیق روایی مطلوب را داراست. البته در روش کیو مفهوم اعتبار یا روایی جایگاه بسیار اندکی دارد، چون در اینجا معیار بیرونی برای سنجش اعتبار دیدگاه‌های یک فرد وجود ندارد. لذا اعتبار در مطالعه کیو به توانایی پژوهشگر برای سنجش اعتبار دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان بستگی دارد. (استاکسن و دورسن^۲، ۲۰۱۱: ۱۶۴)

برای محاسبه ضریب پایایی مرتب‌سازی کیو می‌توان از آزمون - آزمون مجدد^۳

۱. کلیه پرسشنامه‌هایی که به دلایل مختلف از جمله خودسانسوری شدید، بی‌دقتی، بی‌اهمیتی، ناخوانایی و... داده‌های معتبری به‌دست نمی‌دادند، وارد تجزیه و تحلیل نشدند اگرچه برخی از ابهامات در داده‌ها با مراجعه مجدد تصحیح می‌شدند.

2. Storksen & Thorsen

3. Test-Retest

استفاده کرد. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۵۷) بر همین اساس به دو نفر از مشارکت‌کنندگان مجدداً مراجعه و خواسته شد که کارت‌های کیو را دوباره در نمودار مرتب‌سازی کنند. محاسبات نشان می‌دهد که به‌طور میانگین میزان همبستگی بین دو مرتب‌سازی برای هر دو مشارکت‌کننده ۰/۷۵ درصد است که این مقدار نشان از پایایی رضایت‌بخش است.

شاخص کی. ام. اُ و آزمون بارتلت^۲

در انجام تحلیل عاملی کیو ابتدا باید دانست آیا تعداد داده‌ها (اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بدین منظور از شاخص کی. ام. اُ و آزمون بارتلت استفاده می‌شود.

شاخص کی. ام. اُ در دامنه صفر تا یک قرار دارد و هرچه نزدیک‌تر به یک باشد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌ترند. در غیر این صورت (معمولاً کمتر از ۰/۶) نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های مورد نظر چندان مناسب نیست. برای اینکه یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد لازم است متغیرهای جامعه همبسته باشند؛ برای تشخیص این ویژگی از آزمون بارتلت استفاده می‌شود که فرضیه آن به‌صورت زیر است:

H_0 : داده‌ها ناهمبسته‌اند.

H_1 : داده‌ها همبسته‌اند.

اگر فرض صفر رد نشود مطلوبیت تحلیل عاملی زیر سؤال می‌رود. اگر سطح معنی‌داری^۳ آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۵ درصد باشد، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است. (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۹۱: ۱۹۴) خروجی نرم‌افزار آماری برای شاخص کی. ام. اُ و آزمون بارتلت در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: شاخص کی. ام. اُ و آزمون بارتلت

۰/۶۲۱	شاخص کی. ام. اُ برای کفایت نمونه‌گیری	
۴۹۶	درجه آزادی	آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	معناداری	

از آنجا که شاخص کی. ام. اُ برابر با ۰/۶۲۱ می‌باشد، لذا داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین سطح معناداری آزمون بارتلت کمتر از ۵ درصد (۰/۰۵)

1. KMO: Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

2. Bartlett S Test of Sphericity

3. Sig

است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است و فرض صفر رد می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و تبیین یافته‌ها

قبل از انجام تحلیل عاملی و استخراج عامل‌ها (ذهنیت‌ها یا دیدگاه‌ها) باید داده‌های حاصل از مرتب‌سازی در ماتریس داده‌های کیو^۱ وارد شود (جدول ۲).

جدول ۲: ماتریس داده‌های کیو برای ۳۲ مشارکت‌کننده و ۴۰ کارت

P32	P4	P3	P2	P1	مشارکت‌کننده کارت (جملات)
+۳		-۲	-۴	۰	-۵	۱
-۱		+۳	+۲	+۱	-۲	۲
-۴		+۳	+۵	۰	+۲	۳
+۴		+۵	-۴	+۲	-۱	۴
.
.
.
+۴		+۴	۰	۰	-۳	۴۰

۲۴۴

عامل‌ها بعد از محاسبه ماتریس همبستگی بین افراد به دست می‌آیند که ماتریسی ۳۲×۳۲ خواهد بود. همبستگی قوی بین دو مشارکت‌کننده نشان می‌دهد چه کسانی کارت‌ها را شبیه به هم مرتب کرده‌اند. بنابراین با انجام تحلیل عاملی و با استفاده از ماتریس همبستگی، مشارکت‌کنندگان را به گروه‌هایی با همبستگی دوجه‌دو قوی طبقه‌بندی می‌کنیم. هر یک از این گروه‌ها یک عامل را می‌سازد. در این پژوهش برای انجام اولین مرحله تحلیل عاملی کیو از روش مؤلفه‌های اصلی^۲ که رایج‌ترین شیوه استخراج عامل‌ها است (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۶۸) و برای چرخش عامل‌ها نیز از شیوه واریماکس^۳ استفاده شده است. کلیه محاسبات با نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۴ انجام شد که در نتیجه آن نه عامل

1. Q-Data Matrix
2. Principal Components
3. Varimax
4. SPSS

معنادار استخراج گردید. جدول ۳ این عامل‌ها را به همراه آرایه‌های عاملی نشان می‌دهد.

جدول ۳: آرایه‌های عاملی برای دیدگاه‌های نه‌گانه

ردیف	عوامل (دیدگاه)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	دولت (سازمان‌های مختلف) نباید خیلی در حوزه فرهنگ جامعه دخالت کند	-۵	-۴	+۳	۰	-۵	۰	۰	+۱	+۱
۲	از نگاه مردم دستورات دینی (حجاب، حرمت ارتباط با نامحرم و...) به تناسب پیشرفت بشری قابل تغییر و دگرگونی نیستند	-۱	-۵	+۱	+۲	+۱	-۲	+۳	+۳	+۴
۳	اقدامات فرهنگی با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام می‌شوند نه آزمایش و خطا	+۳	-۳	-۴	-۵	-۱	-۳	+۵	۰	+۲
۴	باید متولی فرهنگ، تنها یک سازمان واحد با اختیار و امکانات کافی باشد	-۴	+۲	+۵	۰	+۲	-۴	+۴	-۴	-۴
۵	ادارات و سازمان‌ها (با توجه به نحوه استخدام، ارتقانات، اعطای امتیازات و...) مردم را به سویی می‌برند که در فعالیت‌های دینی به‌طور ظاهری و یا اجباری شرکت کنند	۰	۰	+۳	+۴	-۴	-۲	+۲	۰	+۲
۶	بسیاری از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی پوششی برای اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه و رسیدن به جایگاه‌ها هستند	-۳	+۳	+۲	-۲	-۳	+۴	۰	-۱	۰
۷	مراسم‌های مذهبی بیشتر از روی شعور و معرفت انجام می‌شوند نه شور و احساس	۰	-۲	۰	-۲	-۱	۰	+۲	۰	-۲
۸	اعتقادات اصیل دینی به‌طور روزافزون از سوی جوانان مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند	۰	+۳	۰	+۳	-۱	+۲	+۱	-۱	+۲
۹	اقدامات فرهنگی را باید به‌طور عالمانه و محققانه از آموزش و پرورش شروع کرد	+۳	۰	+۴	+۳	+۲	+۲	+۲	۰	-۲
۱۰	غالب مردم از وضعیت موجود جامعه (اقتصادی، اجتماعی و...) راضی هستند	-۳	-۲	۰	+۱	-۱	-۳	-۵	۰	-۱
۱۱	روحانیت به‌طور موفق در حال تبیین و تبلیغ آموزه‌ها و ارزش‌های دینی هستند	+۴	-۲	-۲	-۱	+۳	-۵	-۱	-۵	۰
۱۲	اقدامات و برنامه‌های فرهنگی غالباً سطحی و کم‌تأثیر هستند و جنبه‌ی آماری و گزارش‌دهی دارند	+۱	+۱	+۲	+۱	۰	+۳	+۴	+۱	-۴

شماره کارنامه	عامل (دیدگاه)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۳	مردم عاشقانه برای پیشرفت میهن خود کار و تلاش می‌کنند	-۱	+۱	-۳	۰	+۱	-۱	+۳	+۳	+۱
۱۴	دنیابگرایی در روحانیت در حال گسترش است	۰	+۲	-۱	+۴	۰	-۱	-۳	۰	۰
۱۵	اقدامات و برنامه‌های فرهنگی غالباً مطلوب و نتیجه‌بخش است اما کافی نیست	+۱	+۱	-۱	۰	+۳	-۲	-۴	+۴	-۲
۱۶	اساتید و معلمان با آگاهی کافی از دین اقدام به اظهار نظر و تبیین دین می‌کنند	۰	۰	-۳	-۳	-۴	۰	۰	-۲	-۳
۱۷	اباحه‌گری و دنیابگرایی در حال رشد و گسترش است	+۳	+۳	+۳	+۱	۰	-۳	-۱	+۴	+۳
۱۸	برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسان قرار می‌گیرند	-۱	-۲	-۲	-۴	-۲	۰	+۱	-۱	-۱
۱۹	فرهنگ شهروندی (همسایگی، رانندگی، تعاملات اجتماعی و...) در حال ارتقا و تکامل است	۰	۰	۰	۰	۰	+۱	۰	+۵	-۱
۲۰	جوانان به الگوهای غیرایرانی تمایل و گرایش ندارند	-۲	-۱	-۳	۰	-۳	-۱	-۳	+۳	-۲
۲۱	ضعف در همیاری و همکاری مسئولین مختلف، مشکل عمده در برنامه‌های فرهنگی است	+۴	۰	+۴	-۲	-۳	+۵	۰	-۲	۰
۲۲	دوست‌یابی (با جنس مخالف) در بین زوجها در حال رشد است	+۲	+۴	۰	-۱	-۲	+۱	۰	۰	-۱
۲۳	فرقه‌های علی‌اللهی و اهل حق به‌صورت تشکیلاتی در حال فعالیت هستند	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	+۱	-۲	+۲	۰
۲۴	مسئولین و متولیان فرهنگ می‌توانند نظر واقعی خود را در خصوص برنامه‌های فرهنگی به‌طور صریح و با جسارت بیان کنند	-۱	-۳	+۱	-۳	+۱	+۳	-۴	-۱	۰
۲۵	مدگرایی و تجمل‌گرایی در حال رشد و تبدیل شدن به یک هنجار است	+۲	+۱	+۲	-۳	+۵	+۲	۰	۰	+۴
۲۶	وهابیت به شیوه‌های مختلف در حال ترویج است	۰	-۱	۰	۰	+۲	۰	-۱	۰	+۱
۲۷	رعایت حجاب اولویت اصلی در مسائل فرهنگی جامعه ما است	-۲	+۵	+۱	-۲	۰	-۴	+۱	+۲	۰
۲۸	فقر و ضعف مالی عامل اصلی در انحراف دینی و اخلاقی خانواده‌ها است	-۴	+۴	-۵	-۱	+۱	+۴	۰	+۱	+۳
۲۹	جریان شیطان‌پرستی به‌صورت سازمان‌یافته در حال عضوگیری و ترویج است	+۱	-۳	۰	+۲	۰	+۱	-۳	-۱	-۱

شماره کارانه	عامل (دیدگاه)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۳۰	تدین اصیل و ناب اسلامی در بین مردم در حال رشد و گسترش است	-۲	-۴	+۲	-۴	+۴	۰	+۱	+۱	۰
۳۱	درجایی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، مردم امر به معروف و نهی از منکر می کنند	-۳	۰	-۱	۰	+۴	+۱	-۲	-۴	+۱
۳۲	فرقه بهائیت به صورت تشکیلاتی در حال فعالیت است	+۱	-۱	+۱	+۱	۰	۰	-۲	+۲	۰
۳۳	مردم به ویژه جوانان از فرهنگ ملی خود (باورها و ارزش های اصیل ایرانی و اسلامی) آگاهی دارند	-۱	-۱	-۱	۰	۰	-۱	۰	+۱	-۳
۳۴	ابتدال و انحراف (اخلاقی و جنسی) در حال رشد و گسترش است	+۵	+۲	۰	۰	۰	۰	+۲	-۲	-۳
۳۵	صوفی گری و دراویش در حال فعالیت هستند	+۱	۰	۰	+۱	+۱	۰	-۲	+۲	+۱
۳۶	خرافات دینی و برداشت های اشتباه و غیر کارشناسانه از دین در بین مردم در حال گسترش است	۰	۰	-۱	+۳	-۱	-۲	۰	-۳	+۳
۳۷	گرایش به ادیان غیر اسلامی (مسیحیت، زرتشت و...) در بین جوانان در حال گسترش است	+۲	-۱	-۲	+۲	-۲	-۱	-۱	-۳	۰
۳۸	معنویت و عرفان های نوظهور به سوی رواج هستند	۰	۰	-۲	-۱	+۲	+۲	+۱	-۲	+۲
۳۹	رفتارهای دینی و ارزشی مردم، در حال ظاهری و سطحی شدن است	۰	+۲	+۱	+۲	۰	۰	-۱	-۳	+۵
۴۰	خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی، تدین مردم را تهدید می کند	-۲	۰	-۴	+۵	+۳	+۳	+۳	۰	-۵

آرایه عاملی برای هر عامل مشخص می کند که هر عبارت در چه درجه ای از طیف قرار دارد؛ پس می توان با توجه به جایگاه هر عبارت، به تفسیر دقیق تری از هر عامل (دیدگاه) دست یافت (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۷۶) یعنی با محاسبه آرایه های عاملی برای هر عامل تنها یک مرتب سازی به دست می آید که از مرتب سازی های تمام مشارکت کنندگان تحت آن عامل به دست آمده است. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۷۷) در واقع آرایه های عاملی «برآیند» نظرات افراد مشابهی است که تحلیل عاملی در یک دسته جای داده است. (خوشگویان فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

باتوجه به اینکه تفسیر عامل‌ها بیش از همه مبتنی بر جمله‌هایی است که در دو سر طیف (یعنی کاملاً موافق و کاملاً مخالف؛ ۵- و ۵+) قرار می‌گیرند و نیز باتوجه به اینکه برای شناسایی بهتر و شفاف‌تر دیدگاه‌ها به جمله‌های قرار گرفته روی درجه خنثی نیز مراجعه می‌شود (خوشگویان‌فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۱) لذا جملاتی که با بیشترین فراوانی، ۵- و ۵+ را دریافت کرده‌اند و همچنین جملاتی که با بیشترین فراوانی، ۰ (خنثی یا بی‌نظر) را به خود اختصاص داده‌اند در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: فراوانی اظهارات شدید (۵- و ۵+) و اظهارات خنثی (۰)

شماره کارت	عبارت	۵+	۰	۵-
۱	دولت (سازمان‌های مختلف) نباید خیلی در حوزه فرهنگ جامعه دخالت کند	۰	۷	۵
۳	اقدامات فرهنگی با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام می‌شوند نه آزمایش و خطا	۱	۴	۳
۹	اقدامات فرهنگی را باید به‌طور عالمانه و محققانه از آموزش و پرورش شروع کرد	۶	۰	۳
۱۴	دنیاگرایی در روحانیت در حال گسترش است	۱	۰	۱۳
۱۹	فرهنگ شهروندی (همسایگی، رانندگی، تعاملات اجتماعی و...) در حال ارتقا و تکامل است	۰	۰	۱۳
۲۳	فرقه‌های علی‌اللیهی و اهل حق به‌صورت تشکیلاتی در حال فعالیت هستند	۰	۰	۱۳
۲۵	مدگرایی و تجمل‌گرایی در حال رشد و تبدیل شدن به یک هنجار است	۴	۰	۳
۲۶	وهابیت به شیوه‌های مختلف در حال ترویج است	۰	۰	۱۴
۲۹	جریان شیطان‌پرستی به‌صورت سازمان‌یافته در حال عضوگیری و ترویج است	۰	۰	۱۳
۳۰	تدین اصیل و ناب اسلامی در بین مردم در حال رشد و گسترش است	۰	۱	۱۳
۳۲	فرقه بهائیت به‌صورت تشکیلاتی در حال فعالیت است	۰	۰	۱۹
۳۷	گرایش به ادیان غیراسلامی (مسیحیت، زرتشت و...) در بین جوانان در حال گسترش است	۰	۱	۱۳
۴۰	خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی، تدین مردم را تهدید می‌کند	۴	۱	۸

مشهود است که بیشترین ابراز مخالفت شدید (۵-) مربوط به «عدم دخالت دولت در عرصه فرهنگ» است و پس از آن، بیشترین ابراز مخالفت شدید مربوط به «متخصصانه و محققانه و کارشناسانه بودن اقدامات فرهنگی موجود» است. از طرفی بیشترین ابراز موافقت شدید (۵+) مربوط به «انجام اقدامات فرهنگی محققانه و عالمانه از سطح آموزش

و پرورش» است و پس از آن نیز، بیشترین ابراز موافقت شدید مربوط به دو جمله است یعنی «تهدید تدین مردم به دلیل خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی» و «رشد مدگرایی و تجمل گرایی».

بیشترین ابراز بی اطلاعی و یا نظر خنثی مربوط به «فعالیت تشکیلاتی فرقه بهائیت» است و پس از آن، بیشترین ابراز بی اطلاعی مربوط به «دنیاگرایی روحانیت»، «ارتقاء فرهنگ شهروندی»، «فعالیت تشکیلاتی فرقه علی‌اللهی و اهل حق»، «ترویج وهابیت»، «ترویج شیطان پرستی»، «رشد و گسترش تدین اصیل و ناب اسلامی» و «گرایش به ادیان غیراسلامی در بین جوانان» است.

اکنون که عامل‌ها استخراج و آرایه‌های عاملی مربوط به عامل محاسبه شده است نوبت به تفسیر و تبیین دقیق عامل‌ها یا همان دیدگاه‌ها می‌رسد. از آنجا که هنگام مرتب‌سازی کارت‌ها امکان نوشتن «توضیحات تکمیلی» نیز وجود داشت، برای درک و تفسیر بهتر ذهنیات به توضیحات مکتوب مشارکت‌کنندگان نیز مراجعه شد.

دیدگاه اول

صاحبان این دیدگاه معتقدند دولت باید از طریق سازمان‌های مختلف در فرهنگ جامعه برنامه‌ریزی و اقدام کند چرا که این برنامه‌ها غالباً ابزار تحقق اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه مسئولین نیستند. بنابراین لازم است سازمان‌های مختلف (و نه یک سازمان واحد) برنامه‌های فرهنگی را کماکان به‌دست گیرند، اگر چه مشکل عمده در این امر یعنی ضعف در همیاری و همکاری مسئولین مختلف وجود دارد. به‌علاوه کمبود و یا نبود ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه در خصوص برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی نیز مشهود است.

در این دیدگاه وضعیت فرهنگی جامعه این‌گونه است که ابتدال و انحرافات اخلاقی و جنسی در حال رشد و گسترش، اباحه‌گری و دنیاگرایی نیز به‌شکل محسوسی گسترده‌تر می‌شود و با مظاهری همچون مدگرایی و تجمل‌گرایی روزافزون و حتی دوست‌یابی با جنس مخالف نمود می‌یابد. این در حالی است که مردم حتی اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، به این امر مبادرت نمی‌کنند. بنابراین در وضعیت کنونی که غالب مردم از وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه راضی نیستند، اقدامات فرهنگی قبل از آنکه متوجه مسائل ظاهری و حتی مسائل اقتصادی و مالی خانواده‌ها باشد، باید متوجه معرفت‌افزایی‌های بنیادین از طریق اقدامات عالمانه و محققانه در آموزش و پرورش باشد؛

مضافاً اینکه اندک نگرانی‌هایی در خصوص فعالیت فرقه‌های انحرافی مانند صوفی‌گری و درویشی احساس می‌شود. ویژگی منحصر به فرد این دیدگاه این است که نسبت به مسئله «ظاهری و سطحی شدن رفتارهای دینی و ارزشی مردم» مطلقاً ساکت و بی‌نظر است.

دیدگاه دوم

صاحبان این دیدگاه معتقدند اقدامات فرهنگی با آزمایش و خطا انجام می‌شوند نه با تخصص و تحقیق کارشناسانه؛ مضافاً مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند. همچنین بعضاً برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی پوششی برای اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه و رسیدن به جایگاه‌ها هستند، لذا غالب مردم از وضعیت موجود جامعه (وضعیت اقتصادی، اجتماعی و...) راضی نیستند. اما این مسائل به معنای لزوم عدم دخالت دولت در حوزه فرهنگ جامعه نیست زیرا دولت و حاکمیت نباید خود را از دین و مقوله‌های تحت آن جدا کند تا جدایی دین از سیاست جلوه‌گر شود.

در این دیدگاه نسبی‌گرایی دینی یکی از چالش‌های اساسی فرهنگ جامعه است، به این معنا که از نگاه مردم دستورات دینی (مانند حجاب، حرمت ارتباط با نامحرم و...) به تناسب پیشرفت بشری قابل تغییر و دگرگونی است. از همین روی، بعضاً اعتقادات اصیل دینی از سوی جوانان مورد سؤال و تردید قرار می‌گیرند و اساتید و معلمان نیز با آگاهی کافی اقدام به تبیین دین نمی‌کنند و متعاقباً ابتدال و انحراف (اخلاقی و جنسی) و نیز دنیاگرایی و اباحه‌گری با مظاهری همچون دوست‌یابی با جنس مخالف (حتی بین زوجها) در حال رشد و گسترش است و جوانان نیز به الگوهای غیرایرانی تمایل و گرایش دارند، ضمن اینکه تجمل‌گرایی و مدگرایی در حال رشد است. بنابراین یکی از اولویت‌های اصلی در مسائل فرهنگی جامعه رعایت حجاب است.

از نظر این دیدگاه مشکل خاص و بالفعلی نسبت به جریان‌های معاند و مخرب (از جمله وهابیت، شیطان‌پرستی، بهائیت، صوفی‌گری و درویشی، گرایش به ادیان غیراسلامی و عرفان‌های نوظهور) به چشم نمی‌خورد گرچه نگرانی‌هایی در خصوص فعالیت فرقه‌های علی‌اللهی و اهل حق احساس می‌شود.

دیدگاه سوم

از نظر صاحبان این دیدگاه برنامه‌های فرهنگی غالباً سطحی و کم‌تأثیر هستند و جنبه

آماری و گزارش‌دهی دارند زیرا با آزمایش و خطا انجام می‌شوند نه با تخصص و تحقیق کارشناسانه. مضافاً در مواردی برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی پوششی برای اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه قرار می‌گیرند. لذا چنانچه قرار بر ورود دولت به عرضه فرهنگ جامعه باشد، اکیداً لازم است که یک سازمان واحد و البته با اختیارات و امکانات کافی عهده‌دار عرصه فرهنگی جامعه باشد، زیرا مشکل عمده در برنامه‌های فرهنگی کنونی، ضعف در همیاری و همکاری مسئولین مختلف است، گرچه عدم ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه در زمینه برنامه‌های فرهنگی نیز یکی از نواقص است. به دلیل وجود چنین ضعف‌هایی این دیدگاه هیچ تأکیدی بر دخالت و ورود دولت در عرصه فرهنگ جامعه ندارد، اما اکیداً معتقد است سازمان‌های متولی باید برنامه‌های فرهنگی را از سطوح بنیانی جامعه مانند آموزش و پرورش به صورت عالمانه و براساس پژوهش‌های معتبر پی‌ریزی کنند. لذا از نظر این دیدگاه فقر و ضعف مالی و اقتصادی به‌هیچ عنوان عامل اصلی در انحراف دینی و اخلاقی خانواده نیست.

از این دیدگاه وضعیت فرهنگی جامعه این‌گونه توصیف می‌شود که اباحه‌گری و دنیاگرایی تا حدی در حال رشد و گسترش است و تا حد قابل توجهی نیز مدگرایی و تجمل‌گرایی در حال رشد و تبدیل شدن به یک هنجار می‌باشد. همچنین جوانان به الگوهای غیرایرانی تمایل و گرایش دارند. این در حالی است که مردم برای پیشرفت میهن خود عاشقانه کار و تلاش نمی‌کنند و روحانیت نیز به‌طور موفق آموزه‌ها و ارزش‌های دینی را تبلیغ نمی‌کند. اما در نتیجه این ضعف روحانیت، نمی‌توان و نباید گفت گرایش به ادیان غیراسلامی مانند مسیحیت و زرتشت و... در بین جوانان در حال گسترش است و یا اینکه معنویت و عرفان‌های نوظهور در حال رواج هستند. نگرانی خاص و بالفعلی نیز نسبت به رشد جریان‌های معاند و مخرب (فرقه علی‌اللهی و اهل حق، وهابیت، جریان شیطان‌پرستی، فرقه بهائیت و صوفی‌گری و درویشی) احساس نمی‌شود.

دیدگاه چهارم

صاحبان این دیدگاه بر این باورند که ادارات و سازمان‌های مختلف، با توجه به نحوه استخدام، ارتقاعات، اعطای امتیازات و...، مردم را به سویی می‌برند که در فعالیت‌های دینی به‌طور ظاهری و یا اجباری شرکت کنند و از سوی دیگر مسئولین و متولیان فرهنگ [به دلایل مختلفی همچون ریا، دروغ، تملق و چاپلوسی] نمی‌توانند نظر واقعی خود را

در خصوص برنامه‌های فرهنگی به‌طور صریح و با جسارت بیان کنند. از همین روی رفتارهای دینی و ارزشی مردم در حال ظاهری و سطحی شدن است. در واقع سازمان‌ها به انحای مختلف ظاهرگرایی می‌کنند و متقابلاً مردم نیز به ظاهرسازی می‌گیرند. مراسم‌های مذهبی نیز در موارد معتنابه، بیش از آنکه از روی شعور و معرفت انجام شوند از روی شور و احساس برگزار می‌شوند. این در حالی است که اقدامات فرهنگی معمولاً با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام نمی‌شوند بلکه با آزمایش و خطا صورت می‌پذیرند و مضافاً غالب برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند. از نظر صاحبان این دیدگاه، اکیداً خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی، تدین مردم را تهدید می‌کند و دنیاگرایی در روحانیت در حال گسترش است. این مسائل در حالی است که اعتقادات اصیل دینی به‌طور فزاینده‌ای از سوی جوانان مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند و در مقابل، اساتید و معلمان هم با آگاهی کافی از دین اقدام به اظهار نظر و تبیین دین نمی‌کنند. مضافاً خرافات دینی و برداشت‌های اشتباه و غیر کارشناسانه از دین در بین مردم در حال گسترش است بر همین اساس تدین اصیل و ناب اسلامی در بین مردم در حال تهدید و ابتدال و انحراف اخلاقی تاحدی در حال رشد می‌باشد. از نظر این دیدگاه مشکل خاص و بالفعلی نسبت به جریان‌های معاند و مخرب (از جمله فرقه‌های علی‌اللهی و اهل حق، وهابیت، شیطان‌پرستی، بهائیت و معنویت و عرفان‌های نوظهور) به‌چشم نمی‌خورد گرچه اندک نگرانی‌هایی در خصوص صوفی‌گری و درویشی و به‌ویژه گرایش به ادیان غیر اسلامی احساس می‌شود.

دیدگاه پنجم

این دیدگاه نیز اکیداً با کناره‌گیری دولت از عرصه فرهنگ جامعه مخالف است، زیرا به‌طور عمده برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی را ابزار و پوشش برای اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه نمی‌داند و معتقد است ادارات و سازمان‌ها نیز با عنایت به نحوه استخدام، ارتقاات، اعطای امتیازات و... مردم را به‌سوی انجام فعالیت‌های دینی به‌طور ظاهری و یا اجباری سوق نمی‌دهند و فراتر از اینها، اقدامات و برنامه‌های فرهنگی را تاحدی مطلوب و نتیجه‌بخش می‌داند و بر این باور است که این‌گونه اقدامات و برنامه‌ها باید افزایش یابند، گرچه غالباً مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند. با این‌همه، این دیدگاه مخالف این است که اقدامات فرهنگی با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام می‌شود. بنابراین،

به نظر می‌رسد صاحبان این دیدگاه به دلایل مختلفی که روشن نیست اما قابل حدس زدن است، اصرار بر ادامه یافتن اقدامات فرهنگی غیرمتخصصانه دارند.

وضعیت فرهنگی جامعه در این دیدگاه این گونه است: مهم‌ترین جریان آسیبی در جامعه، رشد مدگرایی و تجمل‌گرایی و هنجارگونه شدن این آسیب‌ها است. ضمن اینکه جوانان نیز به الگوهای غیرایرانی تمایل و گرایش دارند. این در حالی است که اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، افراد جامعه تا حد کمی به آن مبادرت می‌کنند. همچنین خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی، تدین مردم را تا حدی تهدید می‌کند و در کنار این مسئله، اساتید و معلمان نیز آگاهی کافی برای اظهار نظر و تبیین دین ندارند. ضمن اینکه مراسم‌های مذهبی غالباً از روی شعور و معرفت انجام نمی‌شوند. لذا این دیدگاه نیز معتقد است اقدامات فرهنگی را باید به‌طور عالمانه و محققانه از آموزش و پرورش آغاز کرد.

صاحبان این دیدگاه اظهار می‌دارند که در خصوص جریان‌های معاند و مخرب همچون وهابیت، صوفی‌گری و درویشی و معنویت و عرفان‌های نوظهور نگرانی‌هایی در سطح جامعه احساس می‌شود اما گسترش گرایش به ادیان غیراسلامی (مانند مسیحیت، زرتشت و...) را باور ندارند.

دیدگاه ششم

این دیدگاه معتقد است روحانیت به‌طور موفق در حال تبیین و تبلیغ آموزه‌ها و ارزش‌های دینی نیست و خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی، تدین مردم را تهدید می‌کند. همچنین اقدامات و برنامه‌های فرهنگی غالباً سطحی و کم‌تأثیرند و جنبه آماری و گزارش‌دهی دارند و مشکل عمده در این زمینه، ضعف در همیاری و همکاری مسئولین مختلف بوده و نه تنها تخصص و تحقیق کارشناسانه به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اقدامات و برنامه‌های فرهنگی، به‌چشم نمی‌خورد بلکه به‌طور معمول مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه نیز قرار نمی‌گیرند. ضمن اینکه بسیاری از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی پوششی برای اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه و رسیدن به جایگاه‌ها هستند، لذا این برنامه‌ها و اقدامات معمولاً مطلوب و نتیجه‌بخش نیستند. به‌طور مثال برخلاف تصور بسیاری، این دیدگاه رعایت حجاب را اولویت اصلی در مسائل فرهنگی جامعه نمی‌داند و اکیداً طرفدار اقدامات فرهنگی عالمانه و محققانه در سطح بنیادین آموزش و پرورش هستند.

گرچه این دیدگاه نیز تاحدی معتقد است که مردم دچار نسبی‌گرایی دینی‌اند و همچنین تا حدی اعتقادات اصیل دینی به‌طور روزافزون از سوی جوانان مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند و جوانان نیز تا حدی به الگوهای غیرایرانی گرایش دارند، اما اباح‌گری و دنیاگرایی را در حال رشد و گسترش نمی‌داند و حتی نگرانی خاص و بالفعلی را در خصوص گرایش به ادیان غیراسلامی (مسیحیت، زرتشت و...) در بین جوانان، رواج معنویت و عرفان‌های نوظهور، فعالیت صوفی‌گری و درویشی، فعالیت فرقه بهائیت و ترویج وهابیت، فعالیت فرقه علی‌اللهی و اهل حق، احساس نمی‌کند. ویژگی ممتاز این دیدگاه این است که در مورد این گزاره که «ادارات و سازمان‌ها (با توجه به نحوه استخدام، ارتقاقات، اعطای امتیازات و...) مردم را به سویی می‌برند که در فعالیت‌های دینی به‌طور ظاهری و یا اجباری شرکت کنند» کاملاً ساکت و بی‌نظر است.

دیدگاه هفتم

به‌نظر می‌رسد در این دیدگاه ناهم‌سویی و حتی تناقض وجود دارد. از نظر این دیدگاه اقدامات فرهنگی با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام می‌شود، نه آزمایش و خطا، در عین حال اقدامات و برنامه‌های فرهنگی غالباً سطحی و کم‌تأثیرند و جنبه آماری و گزارش‌دهی دارند. با این حال تقریباً به این مطلب اذعان دارد که اقدامات و برنامه‌های فرهنگی غالباً مطلوب و نتیجه‌بخش نیستند. این دیدگاه اکیداً معتقد است غالب مردم از وضعیت موجود جامعه (اقتصادی، اجتماعی و...) راضی نیستند.

این دیدگاه نیز طرفدار وحدت‌سازمانی در فعالیت فرهنگی بوده و یک سازمان واحد را با اختیار و امکانات کافی، ضروری می‌داند و معتقد است سازمان‌های موجود فعالیت‌های دینی را به ظاهری و اجباری شدن سوق می‌دهند. این دیدگاه نسبت به ترویج وهابیت و شیطان‌پرستی، فعالیت فرقه بهائیت، صوفی‌گری و درویشی و نیز گرایش جوانان به ادیان غیراسلامی (مسیحیت، زرتشت و...) و به‌ویژه فعالیت تشکیلاتی فرقه‌های علی‌اللهی و اهل حق مخالف است، گرچه رواج عرفان‌های نوظهور را تاحدی باور دارد.

دیدگاه هشتم

صاحبان این دیدگاه طرفدار عدم تمرکز سازمانی در عرصه فرهنگ جامعه‌اند و نسبت به «موفقیت روحانیت در تبیین آموزه‌ها و ارزش‌های دینی» ابراز مخالفت می‌کنند، گرچه

نسبت به تهدید تدین مردم توسط خطاهای مبلغان دینی و تبلیغات غلط دینی تقریباً نظر خاصی ندارند و در عین حال اباحه‌گری و دنیاگرایی را در حال رشد و گسترش می‌دانند، چراکه حتی وقتی شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، مردم به این رفتار متریقی مبادرت نمی‌کنند. در واقع مهم‌ترین آسیب در عرصه فرهنگ جامعه در این دیدگاه عدم اهتمام نسبت به امر به معروف و نهی از منکر است، بنابراین ضعف در همیاری و همکاری مسئولین مختلف نمی‌تواند مشکل عمده در برنامه‌های فرهنگی باشد.

تلقی دیدگاه حاضر این‌گونه است که از نگاه مردم دستورات دینی (حجاب، حرمت ارتباط با نامحرم و...) به تناسب پیشرفت بشری قابل تغییر و دگرگونی نیستند و لذا جوانان به ادیان غیراسلامی همچون مسیحیت و زرتشت گرایش ندارند و همچنین خرافات دینی و برداشت‌های اشتباه و غیرکارشناسانه از دین در بین مردم در حال گسترش نیست، گرچه نسبت به آگاهی مردم و به‌ویژه جوانان از فرهنگ ملی خود (باورها و ارزش‌های اصیل ایرانی و اسلامی) و متعاقباً رشد و گسترش تدین اصیل و ناب اسلامی در بین مردم نمی‌توان نفیاً و اثباتاً نظری داد. اما کمبود آگاهی کافی اساتید و معلمان برای اظهار نظر و تبیین دین تقریباً مسلم است.

از منظر صاحبان این دیدگاه، مردم برای پیشرفت میهن خود عاشقانه کار و تلاش می‌کنند ضمن اینکه فرهنگ شهروندی (همسایگی، رانندگی، تعاملات اجتماعی) کمی در حال ارتقا و تکامل است. این دیدگاه، فرقه علی‌اللهی و اهل حق، صوفی‌گری و درویشی را تاحدی در حال فعالیت می‌داند.

دیدگاه نهم

در این دیدگاه نیز به نظر می‌رسد تناقض و یا ناهمسویی بین اظهارات وجود دارد: اقدامات فرهنگی با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام می‌شوند نه آزمایش و خطا و لذا غالب اقدامات و برنامه‌های فرهنگی تأثیرگذارند نه سطحی و آمارگونه، در عین حال برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی غالباً مطلوب و نتیجه‌بخش نیستند و غالباً نیز مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند!!!

صرف‌نظر از این تناقض یا ناهمسویی، آنچه این دیدگاه مورد تأکید قرار می‌دهد «بحران معرفی» است: گرچه از نگاه مردم دستورات دینی به تناسب پیشرفت بشر، قابل تغییر و دگرگونی نیستند، اما بیشتر مراسم‌های مذهبی از روی شعور و معرفت انجام نمی‌شوند. لذا

اعتقادات اصیل دینی به‌طور روزافزون از سوی جوانان مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند و این در حالی است که اساتید و معلمان نیز آگاهی کافی را برای اظهارنظر و تبیین دین ندارند و به‌طور کلی مردم و به‌ویژه جوانان از فرهنگ ملی خود یعنی باورها و ارزش‌های اصیل ایرانی و اسلامی، آگاهی ندارند. بر همین اساس خرافات دینی و برداشت‌های اشتباه و غیرکارشناسانه از دین در بین مردم در حال گسترش است. مضافاً اینکه ادارات و سازمان‌ها هم با توجه به نحوه استخدام، ارتقائات، اعطای امتیازات و... مردم را به سویی می‌برند که در فعالیت‌های دینی به‌طور ظاهری و یا اجباری شرکت کنند، لذا رفتارهای دینی و ارزشی مردم در حال ظاهری و سطحی شدن است. همچنین از نظر صاحبان این دیدگاه، گرچه اباحه‌گری و دنیاگرایی و نیز تجمل و مدگرایی در حال رشد و گسترش است، اما ابتدال و انحراف (اخلاقی و جنسی) اکیداً در حال رشد و گسترش نیست. یافته‌های پیش‌گفته را می‌توان به‌صورت مختصر و گویا در قالب نه دیدگاه طبقه‌بندی کرد. هر دسته از افراد که تحت یک دیدگاه قرار دارند، یک بُعد یا ویژگی از فرهنگ را برجسته‌تر می‌بینند:

دیدگاه اول: موافق اقدامات فرهنگی کنونی‌اند اما انتقاداتی نیز به آن وارد می‌کنند. معتقدند جریان ابتدال و انحراف دینی - اخلاقی وجود دارد و لذا ورود جدی دولت را در عرصه فرهنگ خواستارند.

دیدگاه دوم: منتقد اقدامات فرهنگی کنونی‌اند و با این برنامه‌ها موافقت ندارند. جریان نسبی‌گرایی دینی و تهدید تدین اصیل و ناب اسلامی از نگرانی‌های عمده این دیدگاه است. **دیدگاه سوم:** این افراد مخالف اقدامات فرهنگی کنونی‌اند چراکه آنها را غیرمتخصصانه و غیرمحققانه می‌دانند، لذا اقدامات بنیادین فرهنگی را با وحدت‌گرایی سازمانی تأکید می‌کنند.

دیدگاه چهارم: تدین مردم را به‌دلیل خطاهای مبلغان و تبلیغات و برداشت‌های غلط دینی در حال تهدید می‌دانند و معتقدند در جامعه جریان ظاهرگرایی وجود دارد. **دیدگاه پنجم:** اگرچه به غیرمتخصصانه بودن اقدامات فرهنگی اذعان دارند، اما از چنین اقداماتی دفاع می‌کنند، زیرا آنها را اثرگذار می‌دانند. همچنین تجمل‌گرایی را در جامعه برجسته می‌بینند.

دیدگاه ششم: منتقد روحانیت بوده و عدم موفقیت روحانیت را در تبیین و تبلیغ دین و نیز همیاری ضعیف و قدرت‌خواهی مسئولین فرهنگی را از مشکلات عمده فرهنگی می‌دانند.

دیدگاه هفتم: قبل از فرهنگ، به جریان نارضایتی مردم از وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه تأکید دارند.

دیدگاه هشتم: بی‌اهمیتی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را از معضلات عمده فرهنگی دانسته و ضعف روحانیت را در تبلیغ دین یادآور می‌شوند.

دیدگاه نهم: معتقدند بحران معرفتی و جریان تردید در اعتقادات اصیل دینی مسئله عمده در فرهنگ جامعه است.

بحث و نتیجه‌گیری

بیان شد که هدف اصلی از انجام پژوهش کیو، شناخت دیدگاه‌ها (ذهنیت‌ها) است. اما هنگام تحلیل دیدگاه‌های شناسایی‌شده از طریق روش کیو دو پیش‌فرض متصور است. اول اینکه بپذیریم این دیدگاه‌ها بیانگر واقعیت‌اند و با عینیات فرهنگی جامعه انطباق دارند و دوم اینکه آنها را حکایت‌گر و منطبق با واقعیات فرهنگی جامعه ندانیم. اگرچه حالت بینابین نیز می‌تواند وجود داشته باشد اما به‌منظور پی‌ریزی تحلیل فرهنگ جامعه، فقط این دو پیش‌فرض مبنا قرار می‌گیرند.

تحلیل بر مبنای پیش‌فرض اول: بدیهی است که فرهنگ مانند جو و فضای حاکم بر افراد و عناصر جامعه است، هر آلودگی و رخنه‌ای در آن بر افراد تأثیر می‌گذارد و متأسفانه وقتی اختلال در فرهنگ ایجاد می‌شود جامعه ناهماهنگ می‌شود و چنین جامعه‌ای عملش کم‌نتیجه و کم‌نفع خواهد بود. (داوری، ۱۳۸۵) اما براساس دیدگاه‌های حاصل از این پژوهش فرهنگ جامعه هم در بُعد «وضعیت فرهنگی» و هم در بُعد «کیفیت اقدامات و برنامه‌های فرهنگی» دچار عارضه‌های جدی است. به دیگر سخن وضعیت فرهنگ جامعه و کیفیت اقدامات فرهنگی، نامطلوب و در برخی موارد بحرانی و نگران‌کننده است به‌گونه‌ای که فرهنگ جامعه رنجور از آسیب‌های جدی است.

در حالی که نتایج این پژوهش، جریان ظاهرگرایی و جریان ابتدال و انحراف دینی - اخلاقی را به‌عنوان یک معضل و آسیب فرهنگی معرفی می‌کند، یافته‌های استانی یک پیمایش ملی نشان می‌دهد اکثریت مردم استان همدان (قریب ۷۰ درصد) رواج تظاهر و دورویی را در بین مردم زیاد دانسته و عنوان می‌کنند بی‌بندوباری در روابط زن و مرد جدی است (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۵۲) و همین‌طور یافته‌های یک پژوهش اخیر نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد جوانان ایران، رابطه جنسی

خارج از روابط زناشویی را زیاد می‌دانند (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲: ۴۰) همچنین نتایج پژوهش حاضر بحران معرفت و تردید در اعتقادات اصیل دینی، نسبی‌گرایی دینی و بی‌اهمیتی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را نیز به‌عنوان مشکل فرهنگی جامعه شناسایی کرد و این در حالی است که براساس پیمایش ملی در سال ۱۳۸۰ بیش از نیمی از مردم (۵۴ درصد) روند تدین را رو به غیرمذهبی‌تر شدن پیش‌بینی کرده بودند. (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۹۳) براساس نتایج این پژوهش اقدامات فرهنگی به‌صورت غیرم تخصص‌صانه و غیرمحققانه انجام می‌شوند. مضافاً، همیاری مسئولین فرهنگی نیز ضعف است. این معضلات در اکثر دیدگاه‌ها مورد اذعان بوده است و نتایج مطالعات پیشین نیز نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، نیروی انسانی متخصص بسیار نادر (امیرخانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۳) و بخش فرهنگ همواره با کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد روبه‌رو بوده است و هماهنگی دستگاه‌های فرهنگی به‌شدت متزلزل است و هر یک به‌صورت دلخواه عمل می‌کنند. این نقص به‌خودی‌خود بیشترین آسیب را به پیکره فرهنگ وارد می‌کند. (رشیدپور و مرادی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳) یعنی وقتی دغدغه‌مندی و نگرانی فرهنگی با عدم تخصص همراه شود، اقدامات شتاب‌آلود و بی‌ثمر و حتی بدثمر بسیار محتمل خواهد بود چراکه نتایج این پژوهش نشان داد از دیدگاه متولیان فرهنگ جامعه (بدون استثنا همه دیدگاه‌های نه‌گانه) اقدامات و برنامه‌های فرهنگی مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند.

اگرچه نتایج پژوهش حاضر خطای برخی مبلغان دینی و عدم موفقیت روحانیت در تبلیغ دین را نیز به‌عنوان یک مسئله فرهنگی شناسایی کرد، اما براساس نتایج یک پیمایش ملی، بیش از ۶۰ درصد جوانان ایران اولاً اشتغال و ثانیاً افزایش سرگرمی‌ها و تفریحات سالم را عامل کاهش آسیب‌های اجتماعی دانسته و درصد ناچیزی (حدود ۳ درصد) روحانیت را عامل مؤثر دانسته‌اند (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲: ۳۹) از همین روی براساس دیدگاه هفتم نارضایتی مردم از وضعیت اقتصادی و اجتماعی به‌صورت یک جریان در جامعه وجود دارد.

باید توجه داشت اگرچه براساس پیش‌فرض اول، دیدگاه‌های شناسایی شده را صادق و مطابق با واقع بدانیم و نیز با وجود اینکه شواهد پژوهشی برخی معضلات شناسایی شده در این دیدگاه‌ها را تأیید می‌کند اما اینها تمام حقیقت نبوده و برای درک جامع وضعیت

فرهنگی جامعه کافی نیستند و بایسته است با دقت و احتیاط بیشتری دیدگاه‌ها را تحلیل کنیم و برای این منظور پیش‌فرض دوم مطرح می‌شود.

تحلیل برمبنای پیش‌فرض دوم: گفته شد که روش کیو به دنبال کشف ذهنیت‌ها و دیدگاه‌ها است، لذا ممکن است دیدگاه‌های کشف‌شده منطبق بر واقعیات فرهنگی موجود نباشند. نتایج این پژوهش شواهدی را به دست داد که نشان می‌دهد متولیان فرهنگ دست کم به سه دلیل نظرات و دیدگاه‌هایشان به‌طور کامل با واقعیات همسو نیست.

الف) ابراز بی‌اطلاعی متولیان فرهنگ نسبت به جملاتی که حساسیت و چالش‌برانگیزی بیشتری دارند: وقتی تعداد قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان، در خصوص جمله «بسیاری از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی پوششی برای اهداف سیاسی و قدرت‌خواهانه و رسیدن به جایگاه‌ها است» اظهار بی‌نظری یا بی‌اطلاعی می‌کنند، در حالی که در بطن امور فرهنگی هستند، نمی‌توان پذیرفت این افراد نسبت به جمله بالا بی‌اطلاع و یا بی‌نظرند بلکه این رفتار می‌تواند به دلیل ملاحظات سیاسی باشد، همچنان که رشیدپور و مرادی در مقاله خود عنوان می‌کنند غلبه دیدگاه‌های سیاسی بر فرهنگ در مدیریت فرهنگی و به دیگر سخن، تأثیرپذیری شدید حوزه فرهنگ از نظام سیاسی از جمله چالش‌های عمده در بخش فرهنگ است. (رشیدپور و مرادی، ۱۳۸۹: ۷۴)

ب) اذعان متولیان فرهنگ: اکثر مشارکت‌کنندگان (متولیان فرهنگ) اظهار داشتند «مسئولین و متولیان فرهنگی نمی‌توانند نظر واقعی خود را در خصوص برنامه‌های فرهنگی به‌طور صریح و با جسارت بیان کنند». این یک آسیب فرهنگی جدی به نظر می‌رسد که پژوهشگر آن را «رودربایستی فرهنگی» می‌نامد. این در حالی است که از نظر دادگر و نجفی، ضعف اعتماد، صداقت و شفافیت مدیران ارشد (و متعاقباً میان مردم) با بسیاری از مشکلات و دشواری‌هایی که کشورهای توسعه‌نیافته با آنها مواجه‌اند، ارتباط مستقیم دارد. چراکه صداقت و شفافیت در اندیشه و بیان و نیز کوشش برای پدیدآوردن اعتماد متقابل می‌تواند به انسجام فرهنگی و متعاقباً پایداری اجتماعی کمک کند (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۲۷) و حاکم شدن چنین فضایی، به‌روشنی کنش‌های جمعی را تسهیل کرده و هزینه‌های ارتباط اجتماعی را کاهش می‌دهد. (نظرپور و منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷: ۵۰)

ج) تناقض‌گویی متولیان فرهنگ: بررسی دیدگاه هفتم و نهم بیانگر آن است که در بین نظرات متولیان فرهنگ تناقض‌گویی وجود دارد که این خود، یک نقص فرهنگی است. یکی از این تناقضات با بررسی اظهارات در خصوص جملات کارت‌های ۳ و ۱۲

نمایان می‌شود:

- اقدامات فرهنگی با تخصص و تحقیق کارشناسانه انجام می‌شوند نه آزمایش و خطا.
- اقدامات و برنامه‌های فرهنگی غالباً سطحی و کم‌تأثیر هستند و جنبه‌ی آماری و گزارش‌دهی دارند.

وقتی یک مسئول فرهنگی نسبت به هر دو جمله اظهار موافقت می‌کند، نظرات او مورد شک قرار می‌گیرد چراکه محتوای این دو جمله عکس همدیگرند. باید توجه داشت که در چنین مواردی محافظه‌کاری برای حفظ موقعیت و وضعیت موجود بسیار محتمل است. این اظهارنظرهای تعجب‌برانگیز در حالی اتفاق می‌افتد که شواهد پژوهشی در تأیید محتوای جمله دوم وجود دارد. پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که همایش‌های فرهنگی - هنری و نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری از نظر خود متولیان امور فرهنگی کشور کمترین تأثیر را در ارتقاء سطح فرهنگ عمومی کشور ایفا می‌کند. (کاووسی و حسن‌پور، ۱۳۸۶: ۲۸) از نظر برخی پژوهشگران نیز پرداختن به فعالیت‌های نمایشی در برنامه‌های فرهنگی از جمله چالش‌های عمده در بخش فرهنگ است. (رشیدپور و مرادی، ۱۳۸۹: ۷۴) علاوه بر دلایل پیش‌گفته، شواهد پژوهشی وجود دارند که نشان می‌دهند برخی دیدگاه‌ها با واقعیات فرهنگی فاصله دارند. در ادامه با استناد به برخی دیدگاه‌های شناسایی‌شده، شواهدی ارائه می‌شود:

در مقابل دیدگاهی که بحران معرفت و جریان تردید در اعتقادات اصیل دینی را دغدغه عمده می‌داند باید گفت: بیش از ۷۰ درصد دانشجویان کشور نمازخوان هستند و یا به‌عبارت دقیق‌تر تارک‌الصلوه نیستند یعنی ممکن است گاهی نماز نخوانند اما نماز را به‌کلی ترک نکرده‌اند. (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲: ۹) به‌علاوه، مذهب برای قریب به‌اتفاق مردم ایران بسیار اهمیت دارد به‌طوری‌که دین و ایمان را یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات زندگی خود می‌دانند و از خداوند متعال همیشه و یا اکثر اوقات استمداد می‌کنند. (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۸۷، ۱۸۳ و ۱۸۸)

دیدگاه برخی متولیان نشان داد که بی‌اهمیتی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه وجود دارد درحالی‌که براساس نتایج یک پیمایش بیش از ۷۰ درصد جوانان کشور امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح امور جامعه واجب می‌دانند. (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲: ۱۱) همچنین به‌رغم دیدگاهی که نسبی‌گرایی دینی و

تهدید تدین اصیل و ناب اسلامی را معضل برجسته فرهنگ می‌داند باید گفت: اکثریت دانشجویان (بیش از ۸۰ درصد) به مسلمان بودن خود می‌بالند و پیشرفت‌های علمی را عاملی برای بی‌نیازی از اعتقادات دینی نمی‌دانند. (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲: ۱۱) قریب به اتفاق آنها (بیش از ۹۰ درصد) به روز قیامت و محاسبه اعمال خوب و بد در روز جزا باور دارند (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۲: ۱۲) و بیشتر از نیمی از جوانان کشور خود را در عمل به ارزش‌های دینی مقید می‌دانند. (مدیریت رصد و افکارسنجی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰: ۲۴) پژوهش دیگری نتایج مشابهی را به دست داد، به طوری که بیشتر دانش‌آموزان مورد مطالعه دارای هویت دینی بالایی بودند و تنها ۴ درصد از آنها دارای هویت دینی ضعیف بودند. آنها دین را برای زندگی مهم دانسته و از اعتقادات دینی بالایی برخوردار بودند. (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۹) همچنین بیش از نیمی از افراد کشور چنین اعتقادی ندارند که دینداری به قلب پاک است و لو انسان اعمال مذهبی مانند نماز و روزه و... را انجام ندهند و لذا اکثریت جامعه ایرانی (حدود ۸۰ درصد) به واجبات دینی خود مانند نماز و روزه و... مداومت دارند. (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۹۰ و ۱۹۵) در مقابل ابتذال و انحراف دینی - اخلاقی که نگرانی عمده برخی از متولیان فرهنگ است می‌توان گفت اگرچه شواهدی دال بر ابتذال در جامعه وجود دارد، با وجود این، نتایج یک پیمایش نشان می‌دهد اکثریت جوانان (حدود ۷۵ درصد) در زندگی خود به میزان زیادی به یاد خدا هستند و سعی می‌کنند با اعمال خود خداوند را خشنود کنند (مدیریت رصد و افکارسنجی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰: ۲۴) و فراتر از این، اکثریت مردم (بیش از ۶۰ درصد) خود را در مسیر تقرب به درگاه خداوند می‌دانند. (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۸۹)

با توجه به تحلیل‌های دوگانه بالا، همگی دیدگاه‌های شناسایی‌شده با شواهد تجربی به‌طور کامل تأیید و یا رد نمی‌شوند و هر دیدگاهی شواهدی را در تأیید یا رد خود به‌همراه دارد. نکته پراهمیت این است که رفتارها و اقدامات فرهنگی مسئولان از همین دیدگاه‌ها و ذهنیات - که بعضاً مطابق با واقع نیست - سرچشمه می‌گیرد. یعنی می‌توان گفت این دیدگاه‌ها در محدوده خود، موجد و پدیدآورنده وضعیت فرهنگی جامعه هستند. بنابراین هنگامی که دیدگاه‌های متولیان فرهنگ با واقعیات جامعه فاصله داشته باشد باید منتظر گسترش دامنه مشکلات فرهنگی بود. اگرچه عدم انطباق دیدگاه‌ها با واقعیات فرهنگی

می‌تواند علت‌های مختلفی مانند احساس تهدید از دست دادن جایگاه و موقعیت شغلی، بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی از وضعیت فرهنگی جامعه، ضعف در جسارت بیان، بی‌اعتمادی به پژوهشگر، مصلحت‌اندیشی خیالی، عدم صداقت اجتماعی، فضای بی‌اعتمادی در ادارات، بسته بودن فضای گفتمان آزاد بدون احساس تهدید، خودسانسوری و... داشته باشد، اما به هر حال ارائه دیدگاه‌های غیرواقع‌بینانه، یا خود یک معضل فرهنگی است و یا معضل‌آفرین است و باز هم مشکل هنگامی دوچندان خواهد شد که این متولیان عرصه فرهنگ با احساس نگرانی که دارند (با استناد به دیدگاه‌های نه‌گانه) با شتاب و حداقل تحقیق و کارشناسی مبادرت به برنامه‌ریزی و اقدامات فرهنگی می‌کنند لذا این مسئله پدید می‌آید که فرهنگ جامعه ما به «خودکشی از ترس مرگ» دچار شود. بر همین اساس شاید بتوان نامطلوب بودن وضعیت فرهنگی جامعه را بیشتر به عوامل درونی مرتبط دانست تا صرفاً عوامل خارجی. یعنی اقدامات و برنامه‌های ناصواب فرهنگی که از برنامه‌های عجولانه و غیرمحققانه ناشی می‌شوند فرهنگ جامعه را از ماهیت اصیل و حقیقی خود دور می‌کند پیش از آنکه عوامل خارجی و فرامرزی فرهنگ ما را به نابودی بکشاند. در همین راستا رشیدپور و مرادی می‌گویند: مهم‌ترین مانع داخلی در راه شکل‌گیری پویایی فرهنگ کشور، ناکارآمدی سازمان‌های فرهنگی است که در هر دو سطح خرد و کلان (فقدان متخصص، ساختارهای معیوب اداری، موازی‌کاری، تداخل وظایف و...) قابل مشاهده است. (رشیدپور و مرادی، ۱۳۸۹: ۷۵)

به‌علاوه، به‌پشتوانه دستاوردهای این پژوهش و نیز استفاده از نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان به بیان برخی مسائل فرهنگی دیگر پرداخت که اهم آنها به‌شرح زیر است:

الف) جابه‌جایی هدف: یکی از چالش‌های عمده در سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی «جابه‌جایی هدف» است. این مسئله به حالتی اشاره دارد که یک سازمان رفته‌رفته فلسفه وجودی و غایت خود را فراموش می‌کند و نیروهایش را به حفظ موجودیت و جایگاه خود معطوف می‌کند. سازمانی که اساساً برای ترویج ارزش‌ها و ارتقای فرهنگ وجود یافته است، رفته‌رفته در عرصه رقابت‌ها و هم‌آوردی‌های سازمانی و سیاسی، به فلسفه وجودی خود، کم‌توجه می‌شود و بخش عمده‌ای از تلاش و منابع خود را صرف حفظ خود می‌کند. این مسئله نمودها و جلوه‌های دیگری هم دارد همچنان که برخلاف فضای حاکم بر اوایل انقلاب، به تدریج قدرت و تعلقات جناحی در جایگاه ارزش‌ها و برخی مقدسات می‌نشیند. (خمینی، ۱۳۸۶: ۲۹) همچنین پرداختن به فعالیت‌های نمایشی در برنامه‌های فرهنگی

که پیش تر اشاره شد می‌تواند جلوه دیگری از «جابه‌جایی هدف» باشد.

ب) گم بودن برخی اولویت‌ها در برنامه‌های فرهنگی: خوش‌فر و همکارانش به نقل از تاسیک عنوان می‌کنند که واقعیت‌های انکارناپذیر در عصر جدید حکایت از کاهش شادی در جوامع بشری دارند با اینکه شادی به‌ویژه در زندگی جوانان عامل ایجاد انگیزه، پویای و تحرک بوده و می‌تواند فرایند توسعه جامعه (حتی توسعه فرهنگی) را تسریع کند (خوش‌فر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۹) دغدغه شادی و بهجت اجتماعی نمود برجسته‌ای در برنامه‌های فرهنگی ندارد.

ج) کم‌اعتمادی به پژوهشگران حوزه فرهنگ: اعتماد بیانگر حسن ظنی است که در بین اشخاص موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی می‌شود. (همتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۳) این عنصر مهم، تضمین می‌کند که یک پژوهش بر مبنای اطلاعات صحیح و واقعی پایه‌ریزی شود. اما متأسفانه رخنه‌کردن سیاست در فعالیت‌های فرهنگی موجب شده که افراد با در نظر داشتن برخی ملاحظات سیاسی و شغلی از ابراز نظر واقعی خود استنکاف کرده و اطلاعات صحیح و لازم را در اختیار پژوهشگران حوزه فرهنگ قرار ندهند. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که سیاست از گذشته قرین بی‌اعتمادی بوده است. (سیدامامی و منتظری‌مقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۹) بی‌اعتمادی سرایت یافته به فعالیت‌های فرهنگی، منجر به ایجاد تنگناهایی می‌شود که پژوهشگران را برای شناخت درست وضعیت فرهنگی با دشواری‌های جدی مواجه کرده و متعاقباً تصمیمات فرهنگی پشتوانه علمی متقنی نخواهند داشت و به‌طور کلی «حاشیه‌نشینی علم نسبت به سیاست و قدرت یکی از مهم‌ترین ابعاد واقعیت فرهنگی جهان مدرن است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۸) با توجه به این مسئله می‌توان گفت که تحقیق در حوزه فرهنگ همواره با مشکلات مختلفی برای گردآوری داده‌های صحیح مواجه خواهد بود.

در مجموع با عنایت به نتایج پیش‌گفته به‌نظر می‌رسد مسائلی همچون بحرانی دیدن فرهنگ جامعه، خودسانسوری و محافظه‌کاری یا تناقض‌گویی متولیان فرهنگ، جابه‌جایی هدف، گم کردن برخی اولویت‌ها و... که سازمان‌های فرهنگی در خود دارند و یا ناخواسته ایجاد می‌کنند، کمتر از مسائل خود فرهنگ نیست، چراکه مسائل مربوط به سازمان‌های فرهنگی به‌صورت عینی در فرایند پژوهش درک شدند. مؤید اینکه، رشیدپور و مرادی می‌گویند سازمان و نهادهای متولی فرهنگ دچار آسیب‌ها و چالش‌های متعددی گردیده‌اند که باعث ناکارآمدی این سازمان‌ها شده است. (رشیدپور و مرادی، ۱۳۸۹: ۷۴) در مقابل،

مسائل مربوط به خود فرهنگ که در این پژوهش شناسایی شدند، دیدگاه‌هایی هستند که در ذهن متولیان فرهنگ وجود دارد و ممکن است مطابق واقعیت نباشد اما تحلیل این دیدگاه‌ها ما را به لزوم تحصیل دیدگاه صحیح و واقع‌بینانه در عرصه فرهنگ رهنمون کرد تا متولیان فرهنگ در تصمیم و اقدام دچار انفعال نشوند.

لذا پیشنهاد این است که متولیان فرهنگ هنگام مواجهه با پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی در گام اول نگرش و دیدگاه صحیح و جامع‌نگرانه‌ای را کسب کنند، به‌گونه‌ای که به‌سختی فرد یا گروهی از زیر سایه اسلام و نظام اسلامی خارج دانسته شود. در کنار آن از طریق پژوهش‌های عمیق و در میان‌مدت راهکارهای اقناع افراد در رده‌های سنی مختلف مورد توجه قرار گیرد. اگر با علم نتوان مشکلات فرهنگی را بهبود داد، با اقدامات دیگر نیز خواهیم توانست. بحرانی اعلام کردن وضعیت فرهنگی جامعه حتی اگر واقعیت هم داشته باشد اگر مشکلی نیفزاید، مشکلی را حل نمی‌کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که برحسب تعداد و ترکیب افراد مورد مطالعه، دیدگاه‌های به‌دست آمده لزوماً شامل تمام دیدگاه‌های موجود نیست (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۷) یعنی ممکن است افزایش تعداد مشارکت‌کنندگان یا تغییر آنها منجر به شناسایی دیدگاه‌های بیشتری شود.^۱

۱. بدین‌وسیله از سروران ارجمند، آقایان محمدباقر محمدی‌پیام، مجتبی نجفی و داوود عباسی که با حمایت‌های سازمانی خود در جهت رفع موانع پیش روی این طرح با دلسوزی تلاش کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

۱. امیرخانی، امیرحسین؛ مهدی شهبازی و اکبر بهمنی چوبستی. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل محیطی مؤثر در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور. **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**. سال ۱۵. شماره ۲.
۲. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ: روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی. **راهبرد فرهنگ**. شماره ۲۳.
۳. خمینی، حسن. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی جمهوری اسلامی. **حضور**. شماره ۶۳.
۴. خوشگویان‌فرد، علی‌رضا. (۱۳۸۶). **روش‌شناسی کیو**. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۵. خوش‌فر، غلامرضا؛ حیدر جانعلی‌زاده؛ فاطمه اکبرزاده و حمید دهقانی. (۱۳۹۴). سرمایه فرهنگی و شادی جوانان. **انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. سال ۱۱. شماره ۳۸.
۶. خوشگویان‌فرد، علی‌رضا. (۱۳۸۹). **روش‌شناسی کیو**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
۷. خوشگویان‌فرد، علی‌رضا. طیبه زرگر و فرشاد تجاری. (۱۳۸۸). شناسایی نگرش بانوان ورزشکار نسبت به حجاب در ورزش به کمک روش کیو. **اسلام و علوم اجتماعی**. سال اول. شماره ۱.
۸. دادگر، یدالله و محمدباقر نجفی. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام. **اقتصاد اسلامی**. سال ۶. شماره ۲۴.
۹. دانایی‌فرد، حسن؛ اسدالله کردنائیچ و سمانه لاجوردی. (۱۳۹۰). ارتقاء ظرفیت خط‌مشی‌گذاری کشور: گونه‌شناسی نقش کانون‌های تفکر. **مدیریت دولتی**. سال ۶. شماره ۳.
۱۰. داوری، رضا. (۱۳۸۵). حرف زدن راجع به فرهنگ هم آسان است و هم سخت. **ماهنامه مهندسی فرهنگی**. شماره ۶ و ۷.
۱۱. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۰). **یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان**. تهران: دفتر انتشارات طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
۱۲. رشیدپور، علی و علی‌رضا مرادی. (۱۳۸۹). چالش‌ها و آسیب‌های فراروی فرهنگ و مدیریت فرهنگی. **مهندسی فرهنگی**. سال ۵. شماره ۴۷ و ۴۸.
۱۳. روحانی، حسن. (۱۳۸۲). تکانه‌های آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای ناگوار. **راهبرد**. شماره ۲۷.
۱۴. روحانی، حسن. (۱۳۸۷). **مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل**. **راهبرد**. شماره ۴۷.
۱۵. سلیمی‌بنی، صادق. (۱۳۹۲). وضعیت‌سنجی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب: قوت‌ها. **مطالعات انقلاب اسلامی**. شماره ۳۵.
۱۶. سیدامامی، کاووس و رضا منتظری‌مقدم. (۱۳۹۱). نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران. **پژوهشنامه علوم سیاسی**. سال ۷. شماره ۴.
۱۷. کاووسی، اسماعیل و محمد حسن‌پور. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در ارتقاء سطح فرهنگ عمومی از دیدگاه مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی. **مجله مدیریت فرهنگی**. سال اول. پیش شماره اول.

۱۸. کلانتری، عبدالحسین؛ جلیل عزیزی و سعید زاهد زاهدانی. (۱۳۸۸). هویت دینی و جوانان: جوانان شهر شیراز. *تحقیقات فرهنگی*. سال ۲. شماره ۶.
۱۹. گنجی، محمد و احسان الماسی بیدگلی. (۱۳۹۱). مطالعه وضعیت کیفیت فرهنگی و اجتماعی زندگی شهروندان. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. سال ۷. شماره ۲۷.
۲۰. لاجوردی، اشرف. (۱۳۸۹). نقش کانون‌های تفکر دارای مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در خط‌مشی‌های عمومی: پژوهشی بر مبنای روش کیو. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. شماره ۵۵.
۲۱. مدیریت رصد و افکارسنجی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. (۱۳۹۰). *سنجش نگرش دانشجویان نسبت به تقلید دینی (رصد ۹)*. تهران: معاونت مطالعات راهبری نهاد.
۲۲. مؤمنی، منصور و علی فعال قیومی. (۱۳۹۱). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران: مؤلف.
۲۳. نصیری‌زاده، حمیدرضا و جلیل توتونچی. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت فرهنگی شهرستان‌های یزد با استفاده از روش تاکسونومی. *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۸.
۲۴. نظریور، محمدنقی و مصطفی منتظری‌مقدم. (۱۳۸۷). *فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی*. *اقتصاد اسلامی*. شماره ۳۱.
۲۵. وزارت ورزش و جوانان (معاونت مطالعات و پژوهش‌های جوانان). (۱۳۹۲). *پیمایش ملی ورزش‌ها و نگرش‌های جوانان در سال ۹۲*. تهران: عدم انتشار.
۲۶. همتی، رضا و وکیل احمدی. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه: شهر ایوان). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. شماره ۱۸.

27. Brown, S. R. (2006). A Match Made in Heaven: A Marginalized Methodology for Studying the Marginalized. *Quality & Quantity*. 40, pp. 361-382.
28. JO, Kae Hwa; AN, Gyeong-Ju; DOORENBOS. (2012). Attitudes of Korean Adults towards Human Dignity: A Q Methodology Approach. *Japan Journal of Nursing Science*. 9. pp. 101-111.
29. Khoshgooyanfar, A. (2011). How People Think about a TV Program: A Q-methodology Approach. *The Qualitative Report*. 16 (2), pp. 482-493.
30. Prateepko, T. & V. Chongsuvivatwong. (2009). Patterns of Perception toward Influenza Pandemic among the Front-Line Responsible Health Personnel in Southern Thailand: a Q Methodology Approach. *BMC Public Health*. 161 (9).
31. Ramlo, S. E. & I. Newman. (2011). Q Methodology and Its Position in the Mixed Methods Continuum. *Operant Subjectivity: The International Journal of Q Methodology*. 34 (3). pp. 172-191.
32. Stephenson, W. (1993/1994). Introduction to Q-Methodology. *Operant Subjectivity*. 17 (1/2). pp. 1-13.
33. Storksen, I. & A. A. Thorsen. (2011). Young Children's Participation in a Q Study with Visual Images: Some Comments on Reliability and Validity. *Operant Subjectivity: The International Journal of Q Methodology*. 34 (3). pp. 146-171.